فصلنامه علمی _ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره بیست و دوم، بهار ۱۳۹۷ - صفحات ۴۵-۲۷

معیارهای حق و عدل در احکام فقهی بانکداری بدون ربا

زهرا یعقوبی جناسمی[۱]
باقر حسامی عزیزی[۲]

تاریخ دریافت:۱۳۹۵/۰۵/۱۹ تاریخ پذیرش:۱۳۹۶/۰۳/۲۴

چکیده

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با هدف تطهیر نظام بانکی کشور از ربا تلاش‌های متعددی صورت پذیرفت. تبیین مفهوم عدالت اقتصادی و شاخص‌های آن یکی از دغدغه‌های اقتصاددانان است. علی‌رغم مطالعات انجام گرفته در این زمینه، تلاش چندانی برای استخراج شاخص‌های عدالت اقتصادی از نگاه اسلام صورت نگرفته است. شاخص‌ها و راهکارهای تحقق عدالت در مکتب‌های گوناگون فکری، متفاوت است. اندیشه‌وران اسلامی نیز این مسئله را در چارچوب اسلامی مورد بحث قرار داده‌اند. درباره حق و عدالت نظریه شهید صدر(ره) و تالیفات استاد مطهری (ره) از شهرت و مقبولیت بیشتری برخوردار است. معیار عدالت در توزیع فرصت‌ها، برابری و مساوات، و در توزیع کارکردی، استحقاقی سهمی است که با تراضی به‌دست می‌آید و شاخص آن قیمت بازاری است. معیار عدالت در توزیع درآمد و ثروت، توازن است. هر فطرت سالمی تصاحب ۹۹٪ امکانات کره زمین توسط ۱٪ از افراد جامعه را بی‌عدالتی می‌پندارد. این بی‌عدالتی را نمی‌توان با این منطق که «آنان با بازوی خود کسب کرده و خمس و زکاتش را پرداخت کرده‌اند»، توجیه کرد. معیار عدالت در رعایت حقوق نیازمندان، استحقاق در حد کفاف و شاخص آن حد کفاف و در پرداخت حقوق مالی بستگان، استحقاق عرفی است و شاخص آن اعتدال عرفی می‌باشد. در این تحقیق که بصورت تحلیلی- توصیفی است با توجه به اصل یک بانکداری بدون ربا در تحقق عدالت اسلامی سعی می‌شود با استعانت از قرآن کریم ومعیارهایی که فقهای شیعه و علمای اهل سنت و نیز حقوق‌دانان و دیدگاه‌های مکاتب مختلف در این زمینه مطرح کرده‌اند، مورد کنکاش و تأمل قرار گیرد. همچنین تعاریف مختلف حق و عدالت اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژگان‌کلیدی: حق، عدالت، عدالت اقتصادی، عدالت اجتماعی
طبقه‌بندی JEL: G21, K22

۱. دانشجوی دانشگاه پیام نور مرکز ساری z.yaghoobi2014@yahoo.com
۲ . عضو هیئت علمی و استادیار گروه اقتصاد دانشگاه پیام نور.تهران bhesami2008@gmail.com

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

مقدمه

سال‌ها قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، بحث احیای تفکر اسلامی توسط متفکران بزرگ اسلامی مطرح شد و توانست خمیرمایه اصلی حرکت‌های انقلابی را در ایران و برخی کشورهای اسلامی ایجاد کند. بیش از۳۳ سال از اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا در بانک‌های ایران گذشته است. این شیوه‌نوین بانکداری، در این مدت، همواره با مسائل و مشکلات بسیاری روبرو بوده است که تا حدود زیادی از عهده رفع آن‌ها برآمده و ضمن هموار نمودن مسیر خود، توانسته است در سطح نسبتا مطلوبی از عملکرد و کارایی تا آن‌جا پیش رود که به عنوان یک نظام جدید بانکی در سطح بین‌المللی مطرح گردد. ساده‌اندیشی است که پدیده تحقق نظام جمهوری اسلامی در ایران را پدیده ایستایی تلقی کنیم و از ابعاد نظری و چند وجهی و ماهیت پویای این نوع نظام و ضرورت تأمین سوخت لازم برای دوره پروازی آن غافل شویم. این مسئله زمانی اهمیت مضاعف می‌یابد که بخواهیم از اندیشه عدالت نیز سخن بگوییم. ابتکار عمل رهبر معظم انقلاب، جمهوری اسلامی ایران در برنامه‌ریزی مناسب برای تدوین الگوی اسلامی، ایرانی پیشرفت به عنوان سند بالادستی و مبنای عمل برنامه‌های کلان سیستمی نظام جمهوری اسلامی زمینه مساعدی را برای ارائه نظریه عدالت اجتماعی و اقتصادی در این چارچوب فراهم می‌سازد. نظام بانکداری بدون ربا در ایران حداقل از جهت توجه به مساله حرمت ربا در اسلام و تلاش برای اجرایی نمودن حذف آن از مناسبات و معاملات بانکی، از اهمیتی وافر و جایگاهی بسیار رفیع برای علما، اندیشمندان و توده مردم متدین و معتقد در داخل کشور و سایر ملل مسلمان برخوردار گشته است. این‌شان والا و موقعیت خطیر سبب می‌گردد که هر از گاهی به آسیب‌شناسی ماهوی و اجرایی شیوه بانکداری بدون ربا، از جهات مختلف و با دقت نظر کافی عنایت نماییم. به ویژه در شرایط کنونی که پس از گذار از شرایط سخت اقتصادی، سیاسی و نظامی اوایل انقلاب اسلامی و تثبیت ارکان نظام و مستحکم شدن پایه‌های اقتصادی کشور، تعامل روزافزون با بازارهای اقتصادی دنیا ما را ناگزیر به طراحی و اعمال مجموعه‌ای از تمهیدات و اقدامات اصلاحی در ساختار و کارکرد اجزای مختلف اقتصاد کشور نموده است. به نحوی که از یک سو از توانایی لازم برای پاسخگویی به نیازهای تحول یافته مردم در داخل کشور برخوردار شده و از سوی دیگر امکان حضور در عرصه‌ها و بازارهای پولی و مالی بین‌المللی، با توجه به الزامات و مقررات موجود را داشته باشد.

یکی از محرمات صریح دین اسلام رباخواری است و به دلیل آن که ربا خواری، بعد از شرک، بزرگترین گناه محسوب می‌شود و حتی حیله‌های شرعی مربوط به ربا تحریم شده است، می‌بایستی حساسیت تک تک افراد مسلمان را نسبت به رباخواری در حد بالایی نگاه داشت و هرگز دست به عملی زده نشود که حتی شبهه ربا در آن می‌رود و بدین‌خاطر است که توجه به کارکرد

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

صحیح بانک‌های اسلامی از اهمیت زائد الوصفی برخوردار می‌گردد. همان‌گونه که می‌دانیم در بانکداری ربوی، هر فرد سپرده‌گذار بدون توجه به این که سپرده او صرف چه کاری می‌شود فقط به فکر درآمد ربوی حاصل از سپرده‌گذاری خویش است. در صورتی که در بانکداری اسلامی تک‌تک سپرده‌گذاران می‌توانند و باید در فعالیت‌های جامعه خویش شریک باشند.

درماده یک قانون عملیات بانکی بدون ربا "استقرار نظام پولی و اعتباری برمبنای حق و عدل (با ضوابط اسلامی) به منظور تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار در جهت سلامت و رشد و توسعه اقتصاد کشور" به عنوان یکی از هدف‌ها معرفی شده است. اما با گذشت بیش از سی سال از اجرای این قانون به نظر می‌رسد در اصل معیارها و شاخص‌های لازم در این باره طراحی نشده است. در نتیجه نمی‌توان کارکرد نظام بانکی را با این رویکرد ارزیابی کرد(سبحانی، حسن ،امیرعلی، محمد، ۱۳۹۳ص۹۰).

لذا با توجه به اهمیت معیارهای حق و عدل در مبانی اصولی و فقهی بانکداری بدون ربا ، تدوین و ارائه معیارهای مناسب در این باره ضروت می‌یابد. بر این اساس مقاله حاضر در صدد است به روش تحلیلی، توصیفی با تدوین و معرفی معیارهایی از عدالت درباره ارائه رهیافتی برای ارزیابی و برآورد میزان تحقق هدف در بند یک قانون عملیات بانکی بدون ربا تحلیل نظری را مطرح کند.

۱. مروری بر مهم‌ترین دیدگاه‌های حق و عدل

مسئله عدالت از سال‌های پیش از میلاد مسیح به وسیله‌ی اندیشه‌ورانی مانند افلاطون و ارسطو مطرح بوده و در طول تاریخ نظریه‌های متنوعی در این باره ارائه شده است، مشهورترین نظریه عدالت که در نیم قرن اخیر مبنای عمل بسیاری از نظام‌های سیاسی اقتصادی رایج غرب قرار گرفته است نظریه رالز است که اندیشه اساسی در آن«انصاف» است. نظریه رالز به رغم شهرت فراوان مورد انتقادهایی نیز قرار گرفته است (افروغ، ۱۳۸۲ش). در ادبیات اسلامی نیز برخی از اندیشمندان در زمینه عدالت اجتماعی تحقیق و نظریه پرادزی کرده‌اند. شهید مطهری(ره) از معدود دانشمندان اسلامی که در آثار خود از جمله عدل الهی، نظری به نظام اقتصادی اسلام، بیست گفتار و مسئله ربا و بانک، به این مسئله پرداخته است.

استاد شهید در عدل الهی می‌فرماید: اصل عدالت از مقیاس های اسلام است که باید دید چه چیز بر او منطبق می‌شود. عدالت در سلسله علل احکام است، نه در سلسله معلولات، نه این است که آن‌چه دین گفت عدل است، بلکه آن‌چه عدل است دین می‌گوید این معنای مقیاس بودن عدالت است برای دین. و همچنین شهید صدر(ره) (جهانیان، ۱۳۸۶ش) دو معیار«توازن عمومی» و «تامین اجتماعی»را در جایگاه عدالت اقتصادی معرفی می‌کند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی در« جمهوری اسلامی ایران» مقام معظم رهبری و ده‌ها نفر از اندیشمندان، استادان و صاحب‌نظران دانشگاهی و حوزوی، در آذر ماه ۱۳۸۹ به هم‌اندیشی و بررسی"مبانی، ویژگی‌ها و ابعاد الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت"پرداختند که در این نشست مقام معظم رهبری فرمودند: در اسلام، عدالت، معیار حق و باطل و ملاک مشروعیت و عدم‌مشروعیت حکومت‌ها است.

۲. پیشینه تحقیق

در آموزه‌های اسلامی معیار حق و عدل در استدلال درباره حرمت ربا بسیار مورد توجه قرار گرفته است. با این حال در تحقیق‌های اقتصاد اسلامی به استخراج معیارهای حق و عدل در بانکداری بدون ربا کمتر توجه شده است و بیشتر تحقیق‌های موجود به بررسی نقش بانکداری بدون ربا در برقراری عدالت و رفع فقر در جامعه پرداخته‌اند.

محمد حسین جمشیدی (۱۳۷۹ش) در پایان‌نامه دکترای خود، نظریه عدالت شهید صدر(ره) را در بُعدهای اقتصادی، سیاسی، فردی و اجتماعی تبیین کرده و مقاله‌ای (۱۳۸۶ش) به بررسی آزادی و عدالت از دید فقهی و فلسفی شهید صدر پرداخته است.

فراهانی‌فرد (۱۳۷۸ش) با روش تحلیلی توصیفی به بررسی عوامل اقتصادی پیدایش فقر و راه‌های درمان آن در چارچوب الگوی بانکی مبتنی بر مشارکت می‌پردازد و عواملی مانند توزیع ناعادلانه درآمدها، فقدان سرمایه، فقدان امکانات شغلی، پایین بودن بهره‌وری و سود و... را عوامل گسترش فقر معرفی کرده و مهم‌ترین نقش بانکداری بدون ربا در رفع فقر را به وسیله تاکید بیشتر بر مشارکت عوامل تولید در سود و زیان حاصل از فعالیت اقتصادی می‌داند.

کهندل (۱۳۸۴ش) با شیوه‌ای تحلیلی، توصیفی، در پی بانکداری بدون ربا و ربوی از دید عدالت است و نشان می‌دهد که بانکداری ربوی به وسیله ربا و خلق پول و به کارگیری منابع جامعه و تخصیص منافع آن به افراد خاص، رواج‌دهنده‌ی بی‌عدالتی است؛ اما در بانکداری بدون ربا با حضور بانک در بخش واقعی اقتصاد و جلوگیری از سفته‌بازی، زمینه عدالت اجتماعی فراهم می‌شود.

محمدباقر رضا(۱۳۸۴ش) به بررسی معیارهای حق از نظر فقهی در مذاهب اسلامی پرداخته است. حق‌جو(۱۳۸۶ش) به تبیین رابطه عدالت در حوزه علوم اجتماعی و علوم معرفتی (فلسفه، کلام و عرفان) از دیدگاه شهید صدر پرداخته و به این نتیجه رسیده که تحول فرهنگی انسان‌ها که محصول عدالت در عاوم معرفتی است زمینه‌ساز عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی است. و از جمله پژوهشگرانی چون رستمیان (۱۳۸۵ش) و موسویان (۱۳۹۰ش) در مورد عدالت اقتصادی تحقیق کرده‌اند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

موسویان(۱۳۹۰)، در تحقیق خود در مورد"جایگاه عدالت اقتصادی در بانکداری اسلامی" با روشی تحلیلی، توصیفی در پی تطبیق معیار عدالت در بانکداری اسلامی است که سه اصل احراز ارزش‌افزوده، توزیع متوازن منابع بانکی و ایجاد اشتغال را به عنوان معیارهای توزیع عادلانه منابع بانکی و تعیین نرخ سود و حق‌الوکاله بانکی در جریان عرضه و تقاضای بازار را به عنوان اصلی دیگر مطرح می‌کند.

هاشمی(۱۳۹۲) در تحقیق پایان‌نامه" ارزیابی تحقق عدالت اقتصادی در الگوهای بانکداری اسلامی با تاکید بر الگوی تفکیک و الگوی بانکداری تجاری، در پی پاسخ به این سئوال است که عدالت اقتصادی در کدام یک از الگوهای بانکداری اسلامی بیشتر تحقق می‌یابد. نتایج تحقیق بیانگر این واقعیت است که الگوی تفکیک به علت توان نظارت بر پروژه‌ها و اطمینان از توجیه اقتصادی طرح، سود واقعی پرداخت کرده و باعث اشتغال زایی و کاهش تورم می‌شود. و نیز با پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه از راه تخصیص مانده حساب‌های جاری به نیازمندان و مناطق محروم باعث رفع فقر و تحقق عدالت اقتصادی می‌شود.

سبحانی و امیرعلی(۱۳۹۳)، در تحقیق"پژوهشی در استخراج معیارهای حق و عدل در بانکداری بدون ربا"، ضمن ارائه معیارهایی مانند کارایی اقتصادی، برابری در دسترسی به تسهیلات بانکی و اولویت اعطای سپرده‌های قرض‌الحسنه در جهت اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه به عنوان معیارهای توزیع عادلانه منابع بانکی و معیارهای حفظ ارزش پول ملی، شفافیت اطلاعات و نظارت به عنوان اصول عدالت صیانتی و معیار توازن عناصر نظام بانکی به عنوان عدالت در جایگاه توازن بین عناصر یک مجموعه نشان داده شده‌اند که در عملکرد نظام بانکی، درباره پیگیری و تامین این هدف چگونه می‌باشد. نتایج تحقیق آن‌ها بیانگر این است که شاخص بازده دارایی‌ها به عنوان معیار ارزیابی اعطای تسهیلات برمبنای کارایی اقتصادی به طورکلی مطلوب نیست. میانگین نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه به سپرده‌های قرض‌الحسنه در حدود ۴۳ درصد بوده است. معیار حفظ ارزش پول ملی نیز رعایت نشده است. بررسی دو اصل شفافیت و نظارت حاکی از نارسایی‌هایی در این باره است و عناصر نظام بانکی ایران توازن مناسبی نداشته‌اند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

۳. معنا و مفهوم حق و عدل

در این بخش ابتدا به معنای لغوی حق و عدل و سپس در ادامه معنا و مفهوم این دو عبارت را در فقه شیعه و اهل تسنن را شرح می‌دهیم و به بررسی حق و عدل از منظر فقهی در بانکداری بدون ربا می‌پردازیم.

حق: در لغت در معانی مختلفی به کار می‌رود. اما در هر کدام از آن‌ها معنای «ثبوت» نهفته است. معانی حق در لغت عبارت اند از: راستی، عدالت، ثابت، یقین، ایجادکننده چیزی براساس حکمت؛ کارهایی که براساس حکمت انجام می‌شود؛ عقیده مطابق حقیقت و یا مطابق (به فتح باء) یک عقیده درست؛ فعل و یا قولی که به حسب و مقدار نیاز و مطابق زمان انجام می‌گیرد. این چهار تعریف در مفردات راغب آمده است. روشن است از نظر لغت، معانی متعددی برای واژه «حق» به کار رفته است. اما از میان معانی‌فوق، معانی«مطابق با واقع بودن»، «سلطنت»، «ثبوت» و همچنین «ثابت» (که معنای وصفی دارد)، ظهور و نمود بیشتری دارد.

عدل، عدالت: در لغت به معنای انصاف، امری بین افراط و تفریط، مساوات در مکافات به نیکی، داوری به حق به معنای رعایت حقوق دیگران در برابر ظلم و تجاوز به کار می‌رود. از این رو عدل را به معنی"اعطاء کل ذی حقٍ حَقَّه" گرفته‌اند، و از امام علی (ع) روایت شده که فرموده‌اند عدل «هر چیزی را در جای خود نهادن» است.

۳.۱. حق و عدل در اصطلاح فقهی

«حق» در اصطلاح فقهی و در کلام فقها دارای معانی ذیل است: فارابی (مدینه فاضله، ۱۹۵۹م: ص ۶۰) برای نخستین بار در تاریخ فلسفه اسلامی از تقسیم عادلانهٔ منافع و خیرات عمومی در میان اهل مدینه سخن می‌گوید و وظیفهٔ دولت را گذراندن قوانینی برای صیانت از این سهمیه می‌داند از جمله عبارت‌های مهم او این عبارت است: «قسمهٔ الخیرات المشترکهٔ التی لاهل المدینهٔ علی جمیعهم»(ثروت‌هایی که به ساکنان شهر تعلق دارد باید بین همه آن‌ها تقسیم شود). عدالت به معنی ایفای اهلیت از دیگر معانی عدالت است که مورد توجه این متفکر بزرگ قرارگرفته است: «العدل أن یوفی کل واحد منها مادهٔ و صورهٔ استئهاله» عدل آن است که به هر یک از ماده و صورت اهلیت و استعدادش[برای فعلیت و کمال]داده شود.از دیدگاه فارابی، عدالت عین فضیلت نیست، بلکه وضعیتی است که در اثر رعایت اخلاق و انجام افعال ارادی از سوی یک فرد در رابطه با سایرین حادث می‌گردد.«حفظ ما قسم علیهم» فارابی بعد از بیان وظیفهٔ حکومت در باب تقسیم مساوی خیرات، وظیفهٔ بعدی آن را (صیانت از آن‌چه میان آنان تقسیم شده) برمی‌شمرد. بنابراین، عدالت از نظر او شامل امنیت نیز هست که توسط قانون تأمین می‌گردد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

شیخ‌انصاری (مکاسب، ۱۳۹۶ق: ص۲۰)، «حق» را به توانایی و سلطنت فعلیه‌ای تعریف می‌کند که قائم به دو طرف «من له الحق» و «من علیه الحق» است و معتقد است که ممکن نیست که «من له الحق» و «من علیه الحق»، شخص واحدی باشد. به خلاف ملک که نسبت میان مالک و مملوک، نیازی به «من یملک علیه» ندارد. آیت الله جواد تبریزی (ارشادالطالب، ۱۳۷۴ش: ص۱۰) نیز معتقد است: حق، نسبت خاص و سلطنت مخصوصی است که به دو طرف «من له الحق» و «من علیه الحق» استوار است. «من له الحق» بر «من علیه الحق» سلطه دارد. همچنین آیت الله خوئی(مصباح الفقاهه،۱۴۱۷ق: ص۳۳۳) می‌نویسند: حق، نوعی از سلطنت است که امور آن به دست «من له الحق» می‌باشد. همچنان که آیت الله اراکی (کتاب البیع،۱۳۷۳ش: ص۱۰) معتقد است: حق، عبارت است از سلطنتی که متعلّق آن مال است، اما خودِ این حق مال نیست، مثل حقّ تحجیر.

سیدحجت کوه‌کمری(البیع، ۱۴۰۹ق) می نویسد: حق عبارت است از: سلطنت فعلیه بر غیر. و فرق میان «حق» و «مِلک» در این است که ملکیت یک نوع علاقه و ارتباط میان مالک و شیء مملوک است و هیچ‌گونه ملازمتی با سلطه برغیر ندارد، جز به نحو شأنیت. یعنی خود ملکیت هیچ سلطنتی برغیر ایجاب نمی‌کند. اما اگر غیر، بخواهد با مالکیتِ مالک تزاحم داشته باشد، سلطنت مالک برغیر و دفع او از شیء مملوک مطرح می‌شود. به خلاف مسئله «حق»، مادام که «حق»ای وجود دارد، «من له الحق» برغیر در مطالبه حق خویش سلطه دارد. در کتب متقدمان اهل سنت، تعریفی از حق نیامده است. اما متأخران آنان تعاریفی ارائه داده‌اند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: کندی(مجله مبحوث، ۱۴۱۵ق):حق حکمی است که شارع آن را معیّن کرده است.استاد محمدالزرقاء: حق اختصاصی است که شارع آن را معیّن و از آن حمایت می‌کند. (مدخل فقه العام، ص۱۱)شیخ احمد ابوسنه:حق چیزی است که در شریعت برای انسان یا برای خدای‌تعالی برکسی دیگر ثابت شده است.(نظریات عامه فی شریعه اسلامیه، ص۵۰) عدالت عبارت است از ملکه و نیرویی که سبب می‌شود انسان واجبات را انجام دهد و محرمات را ترک کند. اسلام برای ترویج این صفت، امتیازات و شخصیت‌هایی به افراد داده است، مثل رهبریت، مرجعیت قضاوت، شهادت، امامت جماعت. عدالت یا متعلق به اخلاق و افعال یا به تقسیم اموال یا به معاملات و داد و ستد یا به احکام و سیاست‌ها مربوط شود، عادل در هر یک از این موارد برای برقراری تساوی و تعادل افراط و تفریط را به اعتدال و میانه باز می‌گرداند، عادل حقیقی باید به قوانین الهی، عالم باشد تا بتواند در امور، حفظ مساوات کند. مفهوم عدالت از نظر فقهی بین شیعه و اهل سنت چندان متفاوت نیست. تفاوت اساسی در این است که امامیه عدالت را شرط ابتدایی و استمراری برای حاکم می‌داند. براین اساس شیعه حاکمیت حاکمان غیر عادل و فاسق را فاقد

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

مشروعیت می‌داند؛ اما آرای اهل سنت در مورد شرط عدالت حاکم مختلف است. برخی از فقهای اهل سنت عدالت را شرط کمال می‌دانند نه امری واجب و در برخی دیگر از متون فقهی اهل سنت وجود شرط عدالت لازم شمرده شده است اما از آن‌جا که در اندیشه سیاسی اهل سنت؛ عدالت اساسا با استیلا و حکمرانی همخوانی ندارد؛ با ترفندهای مختلف عملا آن را نفی کردند، تا به این وسیله توجیهی مناسب برای حکومت حاکمان جائر فراهم آورند.

۳.۲. حق و عدالت در قرآن

خدای متعال، نسبت به هیچ‌کس ظلم و ستم نمی‌کند و کاری را که عقل سالم آن را زشت می‌شمارد، انجام نمی‌دهد.خداوند عادل است و جهان را بر مبنای عدالت آفریده است روزی مردم را اندازه‌گیری فرموده و از روی عدالت به هر کدام نصیبی از وسعت رزق و تنگدستی داده است، جز به حق و عدالت فرمان نمی‌دهد و به ستم پاداش کسی را ضایع نخواهد کرد.

کلمه حق حدود ۲۴۷ بار در قرآن به کار رفته است. این واژه گاهی به عنوان صفت ذات خداوند (حج؛ ۶۳، لقمان؛۳۰) گاهی صفتی از صفات فعل الهی (روم؛ ۸) و گاهی به معنای قضا و حکم و داوری آمده است. کلمه حق در این موارد با حقوقی ندارد و تنها در چهل مورد است که استعمال آن دارای بار حقوقی است، مانند استعمال آن به عنوان صفتی برای فعل انسان (بقره:۶۱) و یا استعمال آن در معنای اصطلاحی حق(بقره: ۲۸۲).

واژه عدل و مشتقات آن ۲۹ بار در قرآن به کار رفته است ، عدالت در جایگاه رابطه میان انسان‌ها با اموال و منابع طبیعی در قرآن‌کریم در قالب واژه‌هایی مانند شکر و عدم کفران(لقمان:۱۲) و عدم اسراف (فرقان:۶۷) و ترازو (الرحمن: ۹) قابل تعریف است. برای نمونه چند آیه را در مورد عدالت ذکر می‌کنیم.

قرآن می‌فرماید: «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا کُونُوا قَوَّامینَ لِلَّهِ شُهَداءَ بِالْقِسْطِ وَ لا یَجْرِمَنَّکُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلی أَلاَّ تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوی وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبیرٌ بِما تَعْمَلُونَ» (مائده؛ ۸) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برای خدا قیام کنید، و از روی عدالت، گواهی دهید! دشمنی با جمعیّتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشاند! عدالت کنید، که به پرهیزگاری نزدیکتر است! و از (معصیت) خدا بپرهیزید، که از آن‌چه انجام می‌دهید، با خبر است!»

قرآن می‌فرماید: «اِنَّ اللهَ یَأْمُرُ بِالْعَدْلِ و الأحْسانِ و ایتایَ ذِی الْقرْبی وَ یَنْهَی عَنِ الفحشاءِ و المُنْکَرِ وَ الْبَغْیِ یَعِظُکُمْ لَعَلَّکُمْ تَذَکَّرونَ»(نحل؛ ۹۰)«خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد. و از فحشاء و منکر و ستم، نهی می‌کند، خداوند به شما اندرز می‌دهد شاید متذکر شوید.» بنابراین عدالت به همراه مشتقات، وجوه و نظایرش به دو گونه فعلی و اسمی در قرآن آمده‌است. «تعدیل‌کردن، به عدالت و مساوات رفتار کردن، به عدالت حکم کردن،

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

انصاف دادن، عوض دادن و...» از وجوه فعلی و «برابر، مقدار، دادگری، فدیه، تحریف‌ناپذیری، زوال ناپذیری و...» از وجوه اسمی آن می‌باشد.

۴. معیارهایی برای حق و عدل در بانکداری بدون ربا

بند یک ماده یک قانون عملیات بانکی بدون ربا یکی از هدف‌های نظام بانکی را استقرار نظام پولی و اعتباری برمبنای حق و عدل (با ضوابط اسلامی) به منظور تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار در جهت سلامت و رشد و توسعه اقتصاد کشور معرفی می‌کند. این پرسش مطرح است که معیارهای بیانگر حق و عدل در یک نظام بانکی بدون ربا کدام‌ها هستند؟ از آن‌جا که در اعلان شاخص‌های مرتبط با توفیق یا کاستی‌های نظام بانکی ازمعیارها یا شاخص‌هایی که از این مهم حاکی باشد، بحثی به میان نمی‌آید به نظر می‌رسد که در اصل چنین مقوله‌ای در نظام بانکی موضوعیت ندارد.

در ادبیات متعارف عدالت اقتصادی قاعده‌ها و معیارهای متعددی در بیان مشخصه‌های عدالت اقتصادی مطرح گردیده است. برمبنای آن‌چه در توصیف ابعاد و ویژگی‌های عدالت بیان شد، این معیارها و قواعد عموماً جنبه قبل دینی و عقلی و عرفی دارند و لذا می‌توانند مبنای سنجش و ارزیابی عملکرد نظام‌های اسلامی نیز واقع شوند. البته دیدگاه اسلامی به جهت جامعیت و فراگیری و زیربنای فطری که دارد می‌تواند مدعی معیارهای جامع‌تر و پیچیده‌تری باشد. باتوجه به بحث مبنایی فوق، در این بخش نیز ابتدا به بیان معیارهای متعارف می‌پردازیم و در مرحله بعد به استخراج دیدگاه اسلامی می‌پردازیم. از این رو می‌کوشیم معیارهایی را که با آن‌ها می‌توان از میزان میل نظام بانکی به اندازه تحقق این هدف‌ها نتیجه‌هایی را استنباط کرد، مورد بررسی و تعیین قرار دهیم.

در این راستا بررسی تحقیق حاضر به صورت تحلیلی توصیفی می‌باشد که با استعانت از قران کریم و معیارهای توزیع عادلانه بانکی و اقتصادی در دیدگاه‌های مکاتب مختلف و همچنین دیدگاه اسلامی، به تشریح یک نظام بانکداری بدون ربا در تحقق عدالت اسلامی برمبنای اصل یک عملیات بانکداری بدون ربا پرداخته می‌شود.

۴.۱ معیارهای توزیع عادلانه بانکی

اولین معیار مورد بحث در ادبیات عدالت اقتصادی معیار برابری است که در چهارچوب نظریه‌های ابزار محور قابل طرح و بررسی است. در این زمینه به مکاتب و دیدگاه‌های زیر اشاره می‌کنیم سپس به دیدگاه اسلامی می‌پردازیم:

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

۴.۱.۱. مکتب برابری‌گرایی(Egalitarianism)

قدیمی‌ترین دیدگاه عدالت اقتصادی به مکتب برابری خواهی مرتبط است که براساس آن، عدالت به معنای برابری موقعیت‌های اولیه، فرصت‌ها و حق است (جزئیات این نظریه‌ها در ذیل قواعد ابزار محور در بخش قبل اشاره شده است).البته برخی دیگر از برابری خواهان به برابری نتایج توجه داشته‌اند که مکتب مارکسیسم از مهم‌ترین آن‌ها است.

۴.۱.۲. مکتب مارکسیسم(Marxism)

این مکتب همان‌طوری که اشاره شد به برابری نتایج فعالیت یعنی برابری درآمدها بعد از کسر مالیات تأکید می‌نماید. براساس این مکتب که حالت افراطی آن کمونیسم است: هرکس موظف است در حد توان مشارکت داشته باشد و در نهایت در حد برابر با دیگران (Common Goods) در تولید کالاهای مشترک از درآمدهای حاصل سهم ببرد.

۴.۱.۳. نظریه مطلوبیت‌گرایی (Utilitarian Justice)

این دیدگاه که براساس نظرات فردگرایانهٔ بنتام(Bentham) و جان استوارت میل (John Stuart ill) استوار است و مبنای اقتصاد رفاه پارتویی را تشکیل می‌دهد، قاعدهٔ زیر را به عنوان قاعده عدالت اقتصادی توجیه می‌کند:«توزیع چیزها اموال و دارایی‌ها در میان مجموعهٔ مشخصی از افراد بایستی حداکثر کننده مطلوبیت یا رضایت اجتماعی باشد» براساس این قاعده با فرض قابل اندازه‌گیری بودن مطلوبیت افراد عدالت اقتصادی مستلزم آن است که مطلوبیت نهایی درآمد برای تمام افراد یکسان باشد. بنابراین چنان‌چه فرد i رضایت و خوشحالی بیشتری را نسبت به فرد j از درآمد مشخص M بدست آورد باید برای درآمدی بیش از فرد j تعلق گیرد.

براساس این معیار، در نگاه اول این مسأله مطرح نیست که مجموعه مطلوبیت‌ها چگونه میان افراد توزیع گردیده است. مهم آن است که مطلوبیت کل چگونه تغییر می‌یابد. براساس این اصل چنان‌چه تغییری دهد و در اثر آن مطلوبیت کل جامعه را افزایش j را بیش از فرد i در سیاست باز توزیع، مطلوبیت فرد دهد سیاست مفید و عادلانه‌ای تلقی می‌گردد .این‌گونه توزیع از آن جهت عادلانه تلقی می‌گردد که وزن یکسانی به مطلوبیت افراد می‌دهد. با این‌همه، این‌گونه استدلال به جهت آن که مفهوم کاردینالی مطلوبیت مفهومی غیر واقعی است محل تردید است ونظریه‌های اخیر (از جمله نظریه انتخاب اجتماعی و نظریه‌های قرارداد اجتماعی) سعی بر آن دارند که معیارهای عینی‌تری همانند مفهوم درآمد و نظایر آن را که مورد توافق عمومی اجتماعی است جایگزین کنند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

۴.۲. معیارهای عدالت اقتصادی در چارچوب نظریه اقتصاد اسلامی

از آن‌جا که براساس مباحث پیشین، متن و محتوای اصلی چارچوب قرارداد اجتماعی در جامعه اسلامی را شریعت اسلام تشکیل می‌دهد، در شرایط جهل از وضع واقعی و موقعیت اولیه که مصالح و منافع فردی جهت تصمیم‌گیری عمومی را تعیین نمی‌کند (مشابه اوایل انقلاب اسلامی در ایران)، چنان‌چه اصول کلی و عمده شریعت اسلامی در حوزه عدالت اقتصادی به مردم توضیح داده شود به طور طبیعی می‌تواند مبنای وفاق عمومی اغلب افراد جامعه قرار گیرد. به همین‌جهت به نظر می‌رسد، در شرایط فعلی بازگشت به قرارداد اجتماعی مورد وفاق با لحاظ کردن ویژگی‌های عمومی عدالت در چارچوب قواعد عدالت اقتصادی که به شرح زیر تبیین می‌گردد، می‌تواند نجات‌دهنده وضعیت فعلی اقتصاد ایران باشد و راه را برای اصلاح اقتصادی در ایران هموار سازد. برای تبیین قواعد و معیارهای شریعت اصلی در زمینه عدالت اقتصادی راه مستقیم، مراجعه به آیات و روایات و راه غیرمستقیم استفاده از نظرات متفکران اسلامی است که به طور عام مقید به اصول و مبانی شریعت اسلام هستند. براین مبنا و با استفاده از هر دو طریق که اشاره شد، معیارهای زیر به عنوان معیارهای عدالت اقتصادی قابل تطبیق با چارچوب شریعت اسلام معرفی می‌شود:

۴.۲.۱. حق برخورداری برابر از منابع و ثروت‌های عمومی

به تفسیر مرحوم علامه طباطبایی اصل محوری در بهره‌برداری از ثروت‌ها آن است که «همه ثروت‌ها برای همه مردم است» مرحوم شهید مطهری، عدالت را به معنی ایجاد امکانات مساوی قانوی و اجرای قانون به‌طور مساوی معرفی کرده است. وی اضافه می‌کند: «اقدامات اسلامی دراین زمینه در دو قسمت است، یکی در قسمت قانون و ایجاد امکانات مساوی قانونی برای همه و دوم، در زمینه ایجاد امکانات مساوی برای همه. یکی از مسائل اساسی در این مورد تقسیم عادلانه امکانات و مواد اولیه طبیعی نسبت به افراد اجتماع است، چه در واقع اختلاف در تصاحب این سرمایه اولیه موجب اختلافات بعدی اجتماعی می‌شود و تبعیض دراین مورد ریشه بسیاری از تبعیض‌ها خواهد بود. در این مورد، عدالت یعنی این‌که همه مردم بهره و سهمی را که بالقوه در زمین یا اجتماع دارند به آن‌ها برسد تا آن را به فعلیت برسانند.»

خود پول به عنوان یک نعمت است. در این مرحله شناسایی مناسب‌ترین طرح، کفایت مجری آن طرح در جهت کارایی اهمیتی بالا دارد. خداوند متعال در آیه ۵ سوره نساء می‌فرماید: «وَ لا تُؤْتُوا السُّفَهاءَ أَمْوالَكُمُ الَّتی جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِياماً وَ ارْزُقُوهُمْ فيها وَ اكْسُوهُمْ وَ قُولُوا لَهُمْ قَوْلاً مَعْرُوفاً» یعنی: «اموال خود را، که خداوند وسیله قوام زندگی شما قرار داده، به دست سفیهان نسپارید و از آن، به آن‌ها روزی دهید! و لباس بر آنان بپوشانید و با آن‌ها سخن شایسته بگویید!»

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

استفاده سفیهانه از اموال و سپردن سرمایه‌های جامعه به دست کسانی که توان اداره درست منابع را ندارند به نقض حقوق افراد جامعه و حق مال می‌انجامد. امام‌صادق(ع) نیز در این باره می‌فرماید: به درستی که بقای اسلام و مسلمانان در این است که اموال نزد کسانی باشد که حق آن را میدانند و میتوانند به صورت صحیح از آن استفاده کنند و همانا فنای اسلام و مسلمانان در این است که اموال آنان در اختیار کسانی باشد، که حق آن را نمی‌شناسند و نمی‌توانند به روش صحیح از آن‌ها بهره‌برداری کنند.

۴.۲.۲. سهم‌بری براساس میزان مشارکت در تولید(عدل طبیعی)

از دیدگاه اسلامی از این اصل حمایت شده است که: «محصول تلاش هر کس بایستی به خودش برگردد» به عبارت دیگر در اسلام هر کس کار نیکو انجام دهد پاداش او ضایع نمی‌شود. فارابی از این اصل به عنوان «عدل طبیعی» در برابر «عدل قراردادی» یاد کرده و گفته است: «عدل طبیعی آن است که هر کس به اندازه مقدار کاری که انجام داده است مزد بگیرد» وی نه تنها عدل طبیعی را در مورد کالا صادق دانسته بلکه در مورد خدمت نیز آن را مطرح ساخته است. به همین جهت اگر کسی برای کسب دانش کار و تلاش بیشتری انجام دهد عدل طبیعی اقتضا می‌کند که درآمد بیشتری نسبت به کسی که دانش کمتری دارد دریافت کند.

تخصیص به اندازه منابع و پرهیز از اسراف در تسهیلات اعطایی برای طرح مربوطه به اندازه لازم اختصاص داده شود که این امر، بُعدی دیگر از مفهوم کارایی در هدایت منابع پولی است. اگر طرح مورد نظر به ۳۰۰ واحد پولی نیاز داشت، اختصاص ۵۰۰ واحد پولی برای آن طرح به نوعی اسراف در منابع است که در این صورت از ۲۰۰ واحد پولی به طور بهینه استفاده نشده است. درآموزه‌های اسلامی به مفهوم اندازه نگاه‌داشتن در مصرف و تخصیص منابع اشاره‌های فراوانی شده است. امام علی(ع) در این باره می‌فرماید: «اندازه نگاه داشتن نیمی از(درست) زندگی مردن است» [حکیمی، ۱۳۸۶]

تذکر این مطلب ضروری به نظر می‌رسد که اگر چه مشابهت ظاهری بین دیدگاه‌های اقتصاد اسلامی و اقتصاد آزاد مشاهده می‌گردد اما نگرش اقتصاد اسلامی به ابعاد دیگر عدالت اقتصادی به طور همزمان توجه دارد که در قسمت‌های بعدی روشن می‌گردد. با این همه تأکید مجدد به این نکته لازم به نظر می‌رسد که هرگونه عایدی حاصل از عملکرد بازار آزاد مورد تأیید دیدگاه اسلامی نیست، بلکه عملکرد بازاری که شرایط و موازین اسلامی در آن حاکم است عادلانه تلقی می‌گردد. براساس شریعت اسلام تفاوت استعدادها و ذوق و سلیقه بین مردم از نوامیس آفرینش است و موجب جریان بهتر فعالیت اقتصادی و معیشتی می‌گردد. خداوند به حکمت خود بین همت‌ها و خواسته‌های مردم و سایر حالاتشان تفاوت قرارداد و این تفاوت‌ها را وسیله برپایی زندگانی و معاش

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

مردم گردانید. خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید:«أَ هُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّکَ نَحْنُ قَسَمْنا بَيْنَهُمْ مَعيشَتَهُمْ فِي الْحَياةِ الدُّنْيا وَ رَفَعْنا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضاً سُخْرِيًّا وَ رَحْمَتُ رَبِّکَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ»، یعنی: « آیا آنان رحمت پروردگارت را تقسیم می‌کنند؟! ما معیشت آن‌ها را در حیات دنیا در میانشان تقسیم کردیم و بعضی را بر بعضی برتری دادیم تا یکدیگر را مسخر کرده(و با هم تعاون نمایند) و رحمت پروردگارت از تمام آن‌چه جمع‌آوری می‌کنند بهتر است!»

۴.۲.۳. قرار گرفتن اموال در موضع قوام آن(کارایی وتوازن درآمدی)

معنای مطلق عدالت همچنان‌که اشاره شد قرار گرفتن هر چیز در موضع بایسته و شایسته آن است، به همین جهت نظریه پردازان عدالت معمولاً در تعیین قواعد عدالت اجتماعی و اقتصادی وضع بایسته اجتماع و اقتصاد را به عنوان معیار عدالت دانسته‌اند. وضع بایسته اقتصادی امری است که کاملاً وابسته به مکتب اقتصادی است و نشانگر هدف هر مکتب و نتیجه تحقق آن در جامعه است. به همین جهت برحسب تفاوت مکاتب اقتصادی تبیین و قاعده‌مند ساختن عدالت در اقتصاد تعابیر مختلفی می‌یابد.

اگر خداوند متعال استعدادی به انسان‌ها عطا کرده و آن استعداد را وسیله کمال آن‌ها قرار داده، جامعه باید فرصتی برابر برای شکوفایی آن استعداد در چارچوبی مشروع برای همه آن‌ها فراهم کند تا بتوانند از این استعداد، استفاده مطلوب کند؛ پس از فراهم آمدن فرصت برابر برای بهره‌برداری از استعدادها براساس رابطه فاعلی هرکس براساس کوشش خویش بهره‌برداری متناسب با آن را خواهد داشت.

در این معیار، عدالت توجه اصلی به«مصالح کلی نظام اجتماعی و جامعه» است و همان‌طور که تعاریف مطلق عدالت (اعطاء کل‌ذی حقه‌حقه، و وضع‌الشیء فی‌موضعه) در مورد افراد صادق است در مورد جامعه و مصالح عمومی و اقتصاد جامعه نیز باید جاری باشد.

امکانات باید برای همه افراد به طور مساوی فراهم باشد تا اگر کسی همت داشته باشد در هر کجا و هر طبقه‌ای که هست بتواند در پرتو لیاقت و استعداد به کمال لایق خود برسد. تبعیض‌هایی که سرچشمه آن سنت‌ها و عادت ها یا زور و ظلم است باید محو شود و هیچ ملاحظه شخصی در کار نباشد و از نظر ملاحظه‌های شخصی و طبقاتی همه علی‌السویه باشند (مطهری، ۱۳۸۳).

از دیدگاه اقتصاد اسلامی هر بحث و تحلیلی در این حوزه انجام شود در چهارچوب نگرش حقوقی اسلام به «اموال» خواهد بود. براساس نگرش اسلامی مالکیت انسانی بر اشیاء و اموال خودش مطلق نیست، بلکه در چهارچوب حدودی است که خداوند تعیین کرده است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

۵. بانکداری اسلامی بدون ربا

پس از بیان و توضیح حق و عدل از منظر لغوی و فقهی و بررسی دیدگاه‌های مختلف در این قسمت به تعریف و بررسی مختصر در حد این پژوهش، از بانکداری اسلامی بدون ربا می‌پردازیم. نظام بانکداری بدون ربا ریشه در ایدئولوژی و ارزش‌های اقتصاد اسلامی دارد و تحقق آن مستلزم استقرار عدالت اقتصادی و اجتماعی و نیز توزیع عادلانه درآمد و ثروت در جامعه است. بنابراین، منظور از بانکداری اسلامی نوعی سیستم بانکداری است که مبتنی بر قوانین اسلامی و نظریات اقتصاددانان و کارشناسان علوم بانکی و علمای اسلام است. اگر مولفه‌های اصلی بانکداری اسلامی را حذف ربا از تمامی عملیات بانکی و انطباق عملیات بانکی با موازین شرعی بدانیم، اساس بانکداری اسلامی، تسهیم سود، مشخص بودن مسیر مصرف منابع و نظارت بر عملیات بانکی خواهند بود. بر این اساس، در بانکداری سنتی (ربوی) بین بانک و مشتری و گیرنده تسهیلات یک رابطه مستقیم وجود دارد و بواسطه وجود همین رابطه مستقیم، رابطه دائن و مدیون بوجود می‌آید، اما در بانکداری اسلامی وجوه سپرده‌گذاران طبق موازین شرعی و حقوقی و درقالب عقود معین سرمایه‌گذاری می‌شود. در مبحث بانکداری اسلامی موضوع سود و حداقل سود مورد انتظار پیش‌کشیده می‌شود که با ربا (بهره)، به معنی دریافت هر مبلغ اضافه بر روی دین مشروط بر این‌که قبلاً شرط شده باشد، تفاوت‌هایی اساسی دارد، از جمله این‌که: سود با توافق طرفین تعیین و به نسبت‌های مورد توافق پرداخت می‌شود، ولی ربا از طرف وام‌دهنده(دائن) تعیین و به هر نرخ یا نرخ های ثابت از قبل تعیین شده، پرداخت می‌گردد. سود قبل از تحقق حالت التزام دارد و پس از تحقق حالت الزام، ولی ربا بر ذمه وام گیرنده (مدیون) بوده و پرداخت آن در هر حالتی الزامی است.اساس بانکداری اسلامی، تسهیم سود، مشخص بودن مسیر مصرف منابع و نظارت بر عملیات بانکی است. حاصل بهره‌وری از عوامل تولید، بالاخص عامل کار و سرمایه است، ولی ربا حاصل بهره‌وری از سرمایه (دارایی‌های نقدی) است و صاحب سرمایه در تحقق آن مشارکت مستقیم ندارد. سود مستند و مجوز شرعی دارد و از لحاظ حقوقی و اقتصادی قابل توجیه است، ولی ربا مستند و مجوز شرعی ندارد و از لحاظ حقوقی و اقتصادی قابل توجیه نیست. از طرفی بانکداری اسلامی برخلاف دیدگاه سایر موسسات مالی که هرگز ارتباط بین بانکداری و اصول اخلاقی را نپذیرفته‌اند، پایبند به اصول اخلاقی است. توجه به اوضاع مشتریان ووضعیت‌های موجود در نحوه رفتار با مشتری ازویژگی‌های این نظام است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

۵.۱. آیات و روایات در زمینه بانکداری اسلامی بدون ربا

گروهی از مفسران و محققان، تحریم ربا را همانند تحریم شراب‌خواری بصورت تدریجی می‌دانند. این افراد معتقدند: در عصر ظهور اسلام، رباخواری در جزیره‌العرب چنان گسترده بود که امکان تحریم دفعی آن وجود نداشت، لذا خداوند متعال با فرستادن آیات مختلف از آغاز بعثت، ربا را مورد نکوهش قرار داد و بتدریج زمینه تحریم قاطع و فراگیر آن‌را فراهم نمود.

سوره بقره آیه ۲۴۵

مَنْ ذَاَلَّذی یُقرِضُ الله قَرْضاً حَسَناً فَیُضاعِفَهُ لَهُ اَضْعافاً کَثیرَةً

کیست که خدا را وام (قرض‌الحسنه) دهد و خدا بر او به چندین برابر بیفزاید.

آیه ۱۳۰سوره آل عمران

یا اَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تَاکُلُوا الرِّبا اَضْعافاً مُضاعَفضةً وَ اتَّقُوا اللهَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ

ای کسانی‌که به دین اسلام گرویده‌اید ربا مخورید که دائم سود برسرمایه افزائید تا چند برابر شود و از خدا بترسید و ترک این عمل زشت کنید باشد که سعادت و رستگاری یابید.

در کتاب نهج‌البلاغه خطبه ۱۵۶ حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند:

رسول خدا به من فرمودند : ای علی این مردم پس از من بوسیله ثروتشان مورد آزمایش قرار می‌گیرند.

۱- دیندار بودن خود را منتی بر خدا قرار می‌دهند و با این‌حال انتظار رحمت‌الهی را دارند.

۲- از قدرت و خشم الهی خود را در امان می‌بینند.

۳- حرام او را با شبهات دروغین و هوس‌های غافلانه حلال می‌شمارند.

۴- شراب را " نبیذ" می‌آشامند.

۵- رشوه را به نام هدیه می‌گیرند.

۶- ربا را به نام معامله حلال می‌دانند

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

نتیجه‌گیری

بند نخست از ماده یک قانون عملیات بانکی بدون ربا هدف نظام بانکی را استقرار نظام پولی و اعتباری برمبنای حق و عدل (با ضوابط اسلامی) به منظور تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار در جهت سلامت و رشد و توسعه اقتصاد کشور معرفی می‌کند. در این تحقیق درصدد استخراج معیارهای حق و عدل در بانکداری بدون ربا از منظر فقهی و بررسی میزان پیاده شدن این معیارها در بانکداری بدون ربا بودیم که نتیجه‌های تحقیق به صورت خلاصه در ذیل آمده است:

۱- برای این‌که حق و عدل از لحاظ مصالح اجتماعی رعایت شود معیارهای مشخص شده را می‌توان در هر دو حوزه فردی و اجتماعی در نظر گرفت و آن این است که اموال و ثروت‌ها بایستی موجبات قوام و استواری جامعه (و فرد به عنوان یکی از اجزای جامعه) را فراهم سازد. وضعیت«قوام اقتصادی» که در متون دینی مورد توجه واقع گردیده است معادل معیار«کارایی» در ادبیات اقتصادی است.

۲- براساس شریعت اسلام معیار اصلی در استخراج و بهره‌برداری از منابع و اموال عمومی(و بلکه در خصوص سایر اموال که شخصی است) بهره‌برداری عاقلانه و در موضع عدالت از آن‌ها می‌باشد.

۳- نظام بانکداری بدون ربا ریشه در ایدئولوژی و ارزش‌های اقتصاد اسلامی دارد و تحقق آن مستلزم استقرار عدالت اقتصادی و اجتماعی و نیز توزیع عادلانه درآمد و ثروت در جامعه است.

۴- با استفاده از راهکارهای اخلاقی مانند: انفاق‌های مستحبی، مبارزه با اسراف، و تشویق به ساده زیستی، جامعه به سمت توازن بیشتر در توزیع درآمد، ثروت و امکانات مصرفی سوق داده شود.

۵- تامین زندگی فقیران در حدکفاف به صورت نتیجه‌های سیاست‌های اقتصادی در راس دغدغه‌های دولت قرار گیرد تا عدالت اقتصادی هر چه بهتر تحقق یابد.

۶- بنابر آن‌چه گفته شد به این نتیجه میرسیم که عدل لازمه تشخیص حق و باطل می‌باشد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

منابع

۱. اراکی، محمد علی(۱۳۷۳ش)، کتاب البیع، قم، موسسه امام صادق (ع) جلد اول.

۲. انصاری، مرتضی‌بن محمدامین (۱۳۹۶ ق)، المکاسب، تحقیق سید محمد کلانتر، قم، انتشارات دارالکتاب، جلد اول.

۳. افروغ، عماد(۱۳۸۲ش)، « نقد و بررسی دیدگاه جان رالز درباره عدالت» فصلنامه علوم سیاسی، ش ۲۳.

۴. ابوسنه، الشیخ احمد (۱۳۸۴ش)، النظریات العامۀ فی الشریعۀ الاسلامیۀ، ص۵۰.

۵. سبحانی، حسن، امیرعلی، محمد(۱۳۹۳)، پژوهشی در استخراج معیارهای حق و عدل در بانکداری بدون ربا، فصلنامه علمی و پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال چهاردهم، شماره ۵۵ صفحات: ۸۹ - ۱۱۹.

۶ . حجت کوه‌کمری، سید محمد، البیع، المقرّر: شیخ ابوطالب التجلیل التبریزی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۹ق.

۷. خفیف، شیخ علی(۱۳۸۳ش)، المدخل الفقه العام، ج۲، قاهره.صدر، سید محمدباقر(۱۳۴۸ش)، اقتصاد ما، ترجمه محمدکاظم موسوی، جلد دوم، انتشارات اسلامی، قم.

۸. تبریزی، شیخ جواد(۱۳۷۴ش)، ارشاد الطالب، مؤسسه اسماعیلیان، قم.

۹. جمشیدی، محمد حسین، ۱۳۸۶ش،«آزادی و عدالت از منظر فقهی و فلسفی شهید صدر(ره)» پگاه حوزه، ش۲۱۱.

۱۰. جهانیان، (۱۳۸۶ش) «بررسی دیدگاه شهید صدر رد مورد رشد اقتصادی عادلانه» مجموعه مقالات همایش بین المللی بررسی اندیشه‌های آیت الله شهید صدر (ره)، قم: دانشگاه مفید.

۱۱. جمشیدی، محمد حسین، ۱۳۷۹ش، بررسی و تبیین نظریه عدالت(قسط) با تاکید بر نظریه سه اندیشمند ابونصر فارابی، امام خمینی (ره) و شهید صدر(ره). پایان نامه دکتری دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران .

۱۲. حق جو، منیره (۱۳۸۵ ش).، «عدالت از منظر امام خمینی (ره) و شهید صدر (ره)»، فصلنامه ندای صادق، ش ۴۴.

۱۳. رستمیان، علی (۱۳۸۵ ش)، «بررسی مفهوم عدالت در اندیشه سید محمد باقر صدر(ره)» ،انتشارات حیات نو.

۱۴. سبحانی، حسن. امیر علی، محمد (۱۳۹۳ ش)، «پژوهشی در استخراج معیارهای حق و عدل در بانکداری اسلامی»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال چهاردهم، ش۵۵.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

۱۵. صدر، سید محمدباقر(۱۳۴۸ش).، اقتصاد ما، ترجمه محمدکاظم موسوی، جلد اول، انتشارات اسلامی، قم.
۱۶. طباطبایی، سیدمحمدحسین(۱۹۷۴م)؛ المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسس الاعلمی للمطبوعات، بیروت، جلد دوم.
۱۷. قرآن کریم.
۱۸. عیوضلو، حسین(۱۳۸۶ش)، «شاخص‌های عدالت اقتصادی» کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و اداری کمیته ی اقتصاد و تلفیق، دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۱۹. عبد الباقی، محمد فؤاد(۱۳۶۴ ق)، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، (القاهره، مطبعۀدار الکتب المصریه).
۲۰. علی احمدی، حسین(۱۳۷۴ش)، ربا و منفعت در عقود بانکی، اولین کنگره بررسی مبانی فقهی حضرت امام خمینی (ره)، قم، دانشگاه قم.
۲۱. کهندل، محمد(۱۳۸۴ش)، «عدالت در بانکداری اسلامی»، مجموعه مقالات همایش اسلام و توسعه اقتصادی، مؤلفه‌ها و مبانی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
۲۲. فراهانی‌فرد، سعید(۱۳۸۷ش) ، « نقش بانکداری بدون ربا در رفع فقر » مجله نامه مفید، ش ۱۷.
۲۳. فارابی، ابونصر محمد بن محمد (۱۹۵۹)، مبادی آراء اهل المدینه الفاضله، تصحیح و چاپ البیر نصری، بیروت، الطبعۀ الکاثولیکیه، لبنان.
۲۴. مطهری، مرتضی،(۱۳۶۸ش) (الف)، عدل الهی، تهران، انتشارات صدرا، چهارم.
۲۵. مطهری، مرتضی، (۱۳۶۸ش) (ب)، نظری به نظام اقتصادی اسلام، تهران، انتشارات صدرا، اول.
۲۶. موسویان، سیدعباس(۱۳۹۰ش)، «جایگاه عدالت اقتصادی در بانکداری اسلامی»؛ تهران. دومین نشست اندیشه‌های راهبردی.
۲۷. موسوی خوئی، سّید ابوالقاسم (۱۴۱۷ ق)، مصباح الفقاهه فی المعاملات، به قلم میرزا محمدعلی توحیدی، قم.
۲۸. موسوی، سید عباس(۱۳۸۶ ش)، احکام فقهی بانکداری بدون، انتشارات وثوق، قم.
۲۹. مذکور، محمدسلام (۱۳۸۳ش)، المدخل للفقه الاسلامی، انتشارات دارالنهضه العربیه، المطبه العامیه، قاهره، چاپ دوم.
۳۰. مجله البحوث الفقهیۀ المعاصرۀ، سال هفتم، ۱۴۱۵ق، ش۲۵، ص۵۵.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

۳۱. هاشمی، سید محمدتقی(۱۳۹۲)، ارزیابی تحقق عدالت اقتصادی در الگوهای بانکداری اسلامی با تاکید بر الگوی تفکیک و الگوی بانکداری تجاری، پایان نامه کارشناسی ارشد، جامعه المصطفی (صلی الله علیه و آله) العالمیه.

32. Mill - J.S, "L'utilitarianis", 1981,Flanmarion, Paris, 1988.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]